

چگونگی بازتاب اندیشه‌ی نوسازی در مجله‌ی آینده (۱۳۰۶-۰۴/۰۵۱۳۰۴ ش)^۱

دکتر علی اکبر خدروی زاده^۲، فاطمه دانش شکیب^۲

چکیده

آینده از مجلات ناشر افکار حزب تجدد، در تیر ماه ۱۳۰۴ هجری شمسی به مدیریت دکتر محمود افشار در تهران انتشار یافت. این ماهنامه در هر شماره مقالاتی در مورد ضرورت انقلاب فکری و تحول در باورها و نگرش‌های ایرانیان و راه‌های نوسازی و پیشرفت ایران انتشار می‌داد. آینده از طرفداران وحدت ملی، رواج ایرانییت و تغییر سلطنت در ایران و از همه مهم‌تر معتقد به حکومت مقتدر مرکزی بود. زیرا به ثمر رساندن برنامه‌های اصلاحی و عملی نمودن تفکرات نوسازی در ایران را زمانی موفق می‌دانست که از حمایت یک دولت مقتدر و مصلح مرکزی برخوردار باشد. همچنین، به نوسازی ارتش و تغییر در ساختارهای اجتماعی - اقتصادی به‌ویژه نقش تعلیم و تربیت جدید در تحول فرهنگی و تسریع روند نوسازی ایران باور داشت. در این مقاله با بازخوانی مقالات دوره‌ی اول انتشار آینده که تا اسفند ۱۳۰۶ هجری شمسی به طول انجامیده است، به بررسی دیدگاه‌ها و نظریات این ماهنامه در خصوص ابعاد نوسازی ایران و راهکارها و روش‌های مناسب آن پرداخته شده است.

واژگان کلیدی: آینده، محمود افشار، تجدد، وحدت ملی، حکومت مقتدر، نوسازی اقتدارگرایانه

۱. این مقاله برگرفته شده از طرح پژوهشی *بازتاب اندیشه‌ی تجدد در مطبوعات ۱۳۱۲-۱۳۰۴ هجری شمسی* است؛ که با حمایت مالی دانشگاه آزاد اسلامی واحد شهرری به انجام رسیده است. بدین‌وسیله از آن واحد دانشگاهی تقدیر و تشکر به عمل می‌آید.

۲. دانشگاه آزاد اسلامی، واحد شهرری، گروه تاریخ، تهران، ایران

تاریخ دریافت: ۹۱/۰۸/۰۷، تاریخ پذیرش: ۹۱/۱۰/۰۳

مقدمه

رضاخان که با کودتای سوم اسفند ۱۲۹۹ هجری شمسی وارد صحنه‌ی سیاست ایران شد و در سال ۱۳۰۴ هجری شمسی سلطنت را از قاجاریه به پهلوی انتقال داد، این مهم را نه از طریق خشونت و مداخله‌ی ارتش، بلکه با همکاری و حمایت فکری گروه‌های مختلف روشنفکران و طرفداران نوسازی اقتدارگرا به انجام رساند. از مهم‌ترین این گروه‌ها می‌توان به باشگاه ایران جوان که توسط دکتر علی اکبر سیاسی و دکتر محمود افشار تأسیس شد (اتابکی، ۱۳۸۵: ۳۴) و حزب تجدد که اعضای آن از روشنفکران و جوانان ایرانی تحصیل کرده در غرب تشکیل می‌شد اشاره نمود. این حزب با حمایت سردار سپه در مجلس پنجم صاحب اکثریت شد و به طور تمام و کمال از اصلاحات رضاخان پشتیبانی کرد (آبراهامیان، ۱۳۸۹: ۱۵۱).

سایر نشریات تجددخواه نیز نقش مهمی در بازتاب افکار طرفداران تغییر و نوسازی داشتند. از مهم‌ترین این نشریات می‌توان به سه روزنامه اشاره کرد. این نشریات عبارت بودند از: *ایرانشهر* که از سال ۱۳۰۱ ه.ش تا ۱۳۰۶ ه.ش در برلین توسط حسین کاظم‌زاده منتشر می‌شد؛ *فرنگستان* که از ۱۳۰۳ ه.ش تا ۱۳۰۵ ه.ش توسط مشفق کاظمی در آلمان انتشار می‌یافت و *آینده* که موضوع این مقاله است، از ارکان «انجمن ایران جوان» و ناشر افکار حزب تجدد بود (ملایی‌توانی، ۱۳۸۱: ۲۰۱)؛ که از سال ۱۳۰۴ ه.ش تا ۱۳۰۶ ه.ش توسط دکتر محمود افشار در تهران منتشر می‌شد (آبراهامیان، همان: ۱۵۳).

محمود افشار فارغ‌التحصیل رشته‌ی علوم سیاسی و از کارمندان دادگستری (ملایی‌توانی، همان: ۲۹۳) در سال ۱۲۶۷ ه.ش در یزد متولد شد. پدرش حاج محمد صادق افشار یزدی از بازرگانان روشنفکر یزد بود. محمود افشار تحصیلات ابتدایی و متوسطه‌ی خود را در ایران و هند به اتمام رساند و در سال ۱۲۹۰ ه.ش برای ادامه‌ی تحصیلات عازم سوئیس شد (عاقلی، ۱۳۸۰: ۱۸۴). وی پس از بازگشت به ایران، درخواست انتشار مجله را به وزارت معارف ارائه داد. به این ترتیب، ماهنامه‌ی *آینده* در تاریخ ۹ اردیبهشت ۱۳۰۴ ه.ش تصویب شد، و نخستین شماره‌ی آن در تیر ماه ۱۳۰۴ ه.ش به صورت ماهنامه انتشار یافت. این مجله که از تیر ۱۳۰۴ ه.ش فعالیت خود را آغاز نمود، تا اسفند ۱۳۰۶ ه.ش منتشر شد و پس از آن تا شهریور ۱۳۲۰ ه.ش تعطیل بود (صدرهاشمی، ۱۳۶۳: ۳۵۰).

آینده از نگاه دیگر جراید، نشریه‌ای «علمی و ادبی و سیاسی» (*ایرانشهر*، س ۳، ش ۱۱، مهر ۱۳۰۴ ه.ش) و «سیاسی، ادبی و اقتصادی» بود (عنکبوت، س ۲، ش ۹، ۲۲ اسفند ۱۳۰۵ ه.ش). محمود افشار *آینده* را در شماره‌ی اول «مجله سیاسی و ملی» «با قسمتهای تاریخی، ادبی، اجتماعی، اقتصادی و غیره» و از شماره‌ی دوم «مجله سیاسی و ادبی مصور»، و

از سال دوم «مجله سیاسی، ادبی و اقتصادی مصور»، «نامه مستقل آزاد» و «آئینه افکار عمومی» معرفی نموده است. در این نشریه، نظریه‌پردازان اندیشه‌ی نوسازی اقتدارگرا، از جمله سید حسن تقی‌زاده، علی دشتی، محمد هاشم میرزا، نقیب‌زاده، رشید یاسمی، بدیع‌الزمان فروزان‌فر، سعید نفیسی، مایل توپسرکانی، علی اکبر سیاسی، اعتصام زاده، عیسی صدیق، احمد کسروی، عرفان، ذکاءالملک فروغی، دکتر محمد مصدق، یحیی دولت‌آبادی، علی اکبر داور و دیگران، مطلب می‌نوشتند. در مجموع، ارکان مهم اندیشه‌ی نوسازی در نشریه‌ی آینده عبارت بود از: ۱. ملی‌گرایی و ضرورت وحدت ملی؛ ۲. ضرورت تشکیل دولت مقتدر؛ ۳. نوسازی ارتش و نظام وظیفه‌ی اجباری؛ ۴. لزوم تعلیم و تربیت جدید؛ ۵. اصلاح خط و الفبای فارسی؛ ۶. حل بحران اقتصادی؛ ۷. ضرورت نوسازی اجتماعی؛ ۸. تداوم مشروطیت و ضرورت اصلاح قانون انتخابات؛ ۹. نوسازی تشکیلات اداری و اصلاح وزارتخانه‌ها.

۱. ملی‌گرایی و ضرورت وحدت ملی

مسئله‌ی ملیت و وحدت ملی ایران از مباحث مهم و اصلی مجله‌ی آینده است. این نشریه در نخستین شماره‌ی خود در مقاله‌ای به قلم دکتر محمود افشار تحت عنوان «آغاز نامه» مرام و مسلک خود را با عنوان «مطلوب ما: وحدت ملی ایران» شرح داد. همین مرامنامه به خوبی تفکرات ملی‌گرایی/آینده را انعکاس داد. افشار با طرح این سؤال که «مقصود ما از وحدت ملی ایران چیست؟» توضیح داد: «مقصود ما از وحدت ملی ایران وحدت سیاسی، اخلاقی و اجتماعی مردمی است که در حدود امروز مملکت ایران اقامت دارند. این بیان شامل دو مفهوم دیگر است که عبارت از حفظ استقلال سیاسی و تمامیت ارضی ایران باشد. اما منظور از کامل کردن وحدت ملی این است که در تمام مملکت زبان فارسی عمومیت یابد، اختلافات محلی از حیث لباس، اخلاق و غیره محو شود و ملوک الطوایفی کاملاً از میان برود، کرد و لر و قشقائی و عرب و ترک و ترکمن و غیره با هم فرقی نداشته، هر یک بلباسی ملبس و بزبانی متکلم نباشند... بعقیده ما تا در ایران وحدت ملی از حیث زبان اخلاق، لباس و غیره حاصل نشود هر لحظه برای استقلال سیاسی و تمامیت ارضی ما احتمال خطر می‌باشد» (افشار، آغازنامه، آینده، س ۱، ش ۱، تیر ۱۳۰۴ ه.ش).

با توضیحات محمود افشار به خوبی می‌توان دریافت که یکی از مشخصات اصلی وحدت ملی از دید مجله‌ی آینده، توجه به وحدت زبان است. از این رو، در این راستا خواستار عمومیت دادن زبان فارسی به عنوان زبان رسمی کشور ایران است و اختلاف زبانی را از نقاط ضعف ملیت ایران می‌داند. بر این اساس، خواهان تلاش برای یکپارچگی زبان فارسی است. به

همین جهت خطرات استیلای زبان‌های ترکی و عربی را بر ایرانیان ترک زبان و عرب زبان گوشزد می‌کند و راه مقابله با آن را تنها در تقویت زبان فارسی می‌داند (آینده، س ۲، ش ۸، آذر ۱۳۰۶ ه.ش). این نشریه بر این باور است که تنها در صورت وحدت زبان است که تمام افراد کشور به تمام معنی «ایرانی» خواهند شد. راهکارهای ماهنامه‌ی آینده در خصوص عمومیت دادن به زبان ملی چنین است: «وضع قانون تعلیم عمومی اجباری و مجانی و فراهم آوردن وسائل اجرای آن «ونیز» باید مدارس ابتدایی برای آموزش زبان فارسی و تاریخ ایران تأسیس شود و راه آهن ساخته شود تا روابط سریع و ارزان میان نقاط مخالف مملکت برقرار شود و مردم شمال و جنوب، مشرق و مغرب بیشتر به هم آمیخته شوند. باید هزارها کتاب و رساله دل‌نشین کم‌بها به زبان فارسی در تمام مملکت به خصوص آذربایجان و خوزستان منتشر نمود. اسامی جغرافیایی غیر فارسی را باید تبدیل کرد و با توجه به بسیاری مسائل دیگر به وحدت ملی دست یابیم» (آینده، س ۱، ش ۱، تیر ۱۳۰۴ ه.ش). در این زمینه ارزان‌تر شدن قیمت مجله‌ی آینده در آذربایجان را در راستای اجرای این سیاست توصیه می‌نماید. جابه‌جایی ایلات، فارسی کردن اسامی و تقسیمات کشوری جدید را نیز امری مهم در راستای دستیابی به این مهم می‌داند (آینده، س ۱، ش ۲، شهریور ۱۳۰۴ ه.ش).

با این حال، از نگاه این مجله وحدت ملی در ایران به دلایلی نیز بسیار قوی عنوان شده است: «در ایران وحدت ملی ما متکی بر یگانگی نژاد، اشتراک مذهب و زندگانی اجتماعی و وحدت تاریخ [به] مدت چندین هزار سال است». آینده با این توضیحات، علی‌رغم اختلاط نژادی در ایران در طول قرن‌ها، ادعای «تازی‌ها» و «عثمانی‌ها» مبنی بر «ترک» یا «عرب» بودن نیمی از ایرانیان را «بی‌با» و «واهی» می‌داند و عقیده دارد این اختلاط نژادی تأثیری در وحدت ملی ایرانیان ندارد (آینده، س ۲، ش ۸، آذر ۱۳۰۶ ه.ش)؛ زیرا مقصود از «ملیت ایران» «تمام مردمی است که از نژاد ایرانی در ایران یا خارج از آن توطن دارند به استثنای ارامنه و یهودی‌ها و البته خارجی‌های مقیم ایران. یهودی‌ها و ارامنه ساکن ایران اگر چه حالیه هموطن ما و تقریباً در کلیه حقوق ملی با ما سهیمند ولی مسلماً از خارج باین مملکت مهاجرت کرده و چون با ایرانیان ازدواج و اختلاط ننموده تشکیل اقلیت خاصی در ایران داده و به جامعه ملیت دیگر تعلق دارند که عبارت از ملیت ارمنی و جامعه یهود باشد که هر یک برای خود کانون جداگانه‌ای دارند. ولی بعکس آنها زردشتی‌ها، اگر چه از حیث مذهب با مسلمانان ساکن ایران یکی نیستند و قرن‌هاست که با سایر ایرانیان نیز ازدواج نمی‌کنند ولی از حیث نژاد و تاریخ چندین هزار ساله یکی می‌باشند. همچنین پارسیان مقیم هند همچنان که از اسم آنان برمی‌آید اهل پارس یعنی ایران هستند و با این که بیش از هزار سال است در

خارج از ایران ساکنند معه‌ذا به ملیت ایران تعلق دارند. پارسیان مقیم هند نسبت به هندوستان همان حکم یهود و آرامنه ساکن ایران را نسبت به ایران دارند. اما سایر اهالی ایران از آذربایجانی، کرد، لر، طهرانی، خوزستانی، گیلانی، خراسانی، اصفهانی، بلوچ و غیره که از حیث زبان و مذهب با یکدیگر اختلاف دارند، همه ایرانی و متعلق بملیت ایران می‌باشند» (آینده، س ۲، ش ۸، آذر ۱۳۰۶ ه.ش).

توجه به حضور پارسیان هند و استفاده از نظریات ایشان در روند نوسازی ایران از نظر آینده بسیار با اهمیت است. زیرا این گروه ایرانی الاصل که پس از حمله‌ی اعراب مجبور به مهاجرت شدند، هنوز به ایران و ایرانیت علاقه‌مند و خواستار برتری و عظمت سرزمین مادری خود در جهان هستند. برای نمونه می‌توان به خبری راجع به تشکیل انجمن روابط اقتصادی و اجتماعی بین پارسیان هند و ایرانیان اشاره نمود: آینده با ابراز خشنودی، برقراری چنین روابطی را در راستای نوسازی ایران بسیار سازنده می‌داند (آینده، س ۱، ش ۲، شهریور ۱۳۰۴ ه.ش).

با این توضیحات، می‌توان گفت که آینده توجه به تاریخ مشترک را نیز در وحدت ملی ایرانیان مهم می‌داند. از نظر این ماهنامه، گذشته‌ی ایران بسیار شایسته‌ی تقدیر و باعث سربلندی ایران در جهان است. پس برای حفظ این گذشته‌ی باشکوه، راهکارهایی را عنوان می‌دارد. از جمله آثار به‌جای مانده که باید از دستبرد حوادث و تخریب زمان حفظ شوند؛ که در این زمینه می‌توان به کتاب‌های نفیس یا بناهای قدیمی که به علت بی‌توجهی از بین رفته‌اند، اشاره کرده است (آینده، س ۱، ش ۱، تیر ۱۳۰۴ ه.ش). در خبری راجع به تأسیس «انجمن آثار ملی» وظیفه‌ی این انجمن را «پرورش علاقه عامه به آثار قدیمه عامی و صنعتی ایران و سعی در نگاهداری صنایع مستظرفه و صنایع دستی و حفظ سبک و شیوه قدیم آنها» توصیف می‌کند و به اقدامات و برنامه‌های انجمن که تأسیس موزه و کتابخانه در تهران، ثبت و نگهداری از آثار ملی و کتاب‌های نفیس در کل کشور است، اشاره می‌کند و این اقدامات را در حفظ تاریخ ایران ستودنی می‌داند. در ادامه از این‌که بسیاری از آثار تاریخی با ارزش ایران، مانند تخت جمشید، نقش رستم، مادر سلیمان و بسیاری دیگر، در معرض نابودی قرار گرفته‌اند، اظهار تأسف می‌کند و از انجمن آثار ملی خواستار رسیدگی به بناهای ارزشمند تاریخی به صورت گماشتن محافظانی برای حفظ این بناها می‌شود (آینده، س ۱، ش ۲، شهریور ۱۳۰۴ ه.ش).

آینده همچنین در راستای ملی‌گرایی به مقایسه‌ی ایران با ملل متمدن در تقدیر از بزرگان خود می‌پردازد و در خبری راجع به کنفرانس «انجمن ملی» در وزارت معارف با حضور

پروفسور هرتسفلد آلمانی، با چاپ سخنرانی تقی زاده، نماینده‌ی مجلس شورای ملی، بر سخنان وی صحنه می‌گذارد. تقی‌زاده ضمن مقایسه‌ی فردوسی با هومر، هوراس، شکسپیر و... به بنای باشکوه کتابخانه در مقبره‌ی شکسپیر اشاره می‌کند و برای ترقی و توسعه‌ی حیات ملی از انجمن آثار ملی می‌خواهد که این امر مهم را در خصوص مقبره‌ی فردوسی بر عهده گیرند. به‌طور کلی، می‌توان گفت، آئینده تقدیر از بزرگان ایران را در راستای وطن پرستی برای نهضت نوسازی کشور مهم دانست و در این زمینه تا جایی پیش رفت که، زمانی که انجمن آثار ملی تصمیم گرفت به وسیله‌ی اعانه کار ساخت مقبره‌ی فردوسی را به انجام رساند، طی اطلاعیه‌ای از عموم مردم دعوت به همکاری کرد و این کار را بهترین خیرات نامید (آئینده، س ۱، ش ۳، مهر ۱۳۰۴.ش).

آئینده عقیده دارد، حفظ وحدت ایران با خطرهای بسیاری مواجه است. به همین دلیل دکتر محمود افشار در مقاله‌ای نظریات خود در این مورد را چنین عنوان می‌کند: «خطرهای مذکور به قرار ذیل است: ۱. خطر سفید و مقصود از آن خطر سیاسی است که شمالاً از طرف دولت روسیه متوجه بایران است. اگر بواسطه انقلاب سرخ دولت «سفید» روسیه منقرض شده حکومت «سرخ» نیز به لحاظی که ذیلاً شرح می‌دهیم در سیاست خارجی جانشین آن شده یا خواهد گردید. ۲. خطر آبی و آن خطر است که جنوباً از طرف دولت انگلیس متوجه ایران است. ۳. خطر زرد و آن خطر است که از طرف عثمانی و ترک و تاتارهای شمال غربی وحدت ملی ایران را تهدید می‌کند. ۴. خطر سبز و آن خطر است که از طرف همسایه‌های سامی یعنی عرب‌های جنوب غربی ساکنین عراق عرب باز وحدت ملی ما را تهدید می‌نماید. ۵. خطر سیاه و آن خطر جهل و استبداد است که در داخل مملکت قرن‌هاست ما را خانه خراب کرده و فقط با آزادی افکار و ترویج معارف میتوان از آن جلوگیری کرد. خطر سفید و آبی بیشتر استقلال سیاسی ایران را تهدید می‌کند، در صورتیکه خطر سبز و زرد عمدتاً از لحاظ وحدت ملی و نژادی ایران تهدید آمیز است. ولی خطر سیاه که خانگی و داخلی است از تمام جهات خوفناک میباشد» (آئینده، س ۲، ش ۱۱، اسفند ۱۳۰۶.ش).

ماهنامه‌ی آئینده راه حل حفظ وحدت ملی و ملیت ایرانی را در اتحاد تمامی ایرانیان و تشکیل اتحادیه‌ی «پان ایرانیسم» در مقابل اتحادیه‌های «پان تورانیسم» و «پان عربیسم» دانسته است (آئینده، س ۲، ش ۸، آذر ۱۳۰۶.ش)؛ ولی علاج واقعی مشکلات ایران و دفع خطرهای مختلف را قبل از هر چیز در برقراری «حکومت مقتدر و نظام قوی» با تأکید بر مستبد نبودن نظام فوق خلاصه می‌داند (آئینده، س ۲، ش ۸، آذر ۱۳۰۶.ش). بنابراین، توسعه و رشد قدرت نظامی را تنها در صورتی مهم عنوان می‌کند که به اقتدار و امنیت در کشور

بینجامد. آینده در مقاله‌ای تحت عنوان «سپاه و سیاست» که نامه‌ای سرگشاده به نخست وزیر است، دو رکن مهم در مملکت‌داری را حکومت دانا و ارتش قوی می‌داند و این دو را لازم و ملزوم یکدیگر و دلیل قدرتمند شدن یک کشور می‌شمرد. برای این منظور آلمان، انگلیس و مخصوصاً روسیه و سیاست‌های پترکبیر را مثال می‌زند. داریوش و شاه عباس را نیز مردان بزرگی می‌داند که شمشیر و قلم را با هم داشتند؛ ولی نادر را در این مقوله نمی‌شمرد. پس از این مقدمه، به ارتش ایران به عنوان یک سپاه منظم که برای حفظ امنیت داخلی کافی است، اشاره می‌کند. نویسنده برای گسترش ارتش و قوی شدن آن، قانون نظام اجباری را لازم و داشتن حکومت متمرکز مرکزی که امنیت شهروندان را حفظ کند، یکی از شرایط لازم برای دولت می‌داند؛ با این حال تأکید می‌کند، تنها حکومت مقتدر کافی نیست؛ حکومت باید دانا باشد. وی نخست وزیر را دانا می‌داند؛ زیرا وی توانسته است امنیت را با توجه به سپاه منظم برقرار کند و راه‌های دیگر رسیدن به نوسازی را در اقتصاد عمومی و سواد می‌داند؛ عقیده دارد، این دو مقوله که می‌تواند به بی‌نیازی و دانایی تعبیر شود، اساس استقلال یک کشور و حافظ وحدت ملی هستند (آینده، س ۱، ش ۲، شهریور ۱۳۰۴ ه.ش).

به همین دلیل، افشار، پس از انتقال سلطنت از قاجار به پهلوی، از به وجود آمدن اوضاع فوق‌الظهار رضایت می‌کند و احمدشاه را متهم به «تن‌پروری و پول دوستی» می‌نماید و طرفداران وی را به باد انتقاد می‌گیرد و به قضاوت تاریخ واگذار می‌کند. وی از مردم می‌خواهد با این تغییر موافق باشند و «اختلاف کلمه» را در راستای وحدت ایران از بین ببرند (آینده، س ۱، ش ۴، آبان ۱۳۰۴ ه.ش).

۲. تشکیل دولت مقتدر

قانون اساسی مشروطه و متمم آن در راستای نفی استبداد، نهادینه شدن آزادی و مردم‌سالاری، زمینه‌ی اقتدار مجلس در برابر دولت را فراهم آورد. اما پس از انحلال مجلس دوم، طرح تشکیل دولت مقتدر از سوی دیوان‌سالاران اقتدارگرا به جای گفتمان مشروطه‌خواهی مطرح گردید. در نتیجه، تلاش آزادی خواهان ایران در تقابل با اقتدارگرایی و تحقق مشروطیت، بنا به دلایل گوناگون، از جمله موانع ساختاری، بحران‌های اجتماعی - اقتصادی ناشی از جنگ جهانی اول، رقابت‌های سیاسی - اقتصادی کشورهای اروپایی، و تهدید امنیت ملی و تمامیت ارضی کشور ناکام ماند و سرانجام گفتمان استبداد منور و تشکیل دولت مقتدر جایگزین مشروطه‌خواهی شد. پس از کودتای ۱۲۹۹ ه.ش، ضرورت تشکیل دولت مقتدر به‌عنوان یکی از ارکان اصلی تجدد و نوسازی از سوی روشنفکران مطرح

شد و در مطبوعات آن دوره انعکاس یافت. مجله‌ی آینه با تأکید بر لزوم حکومت مقتدر مرکزی، این امر مهم را تنها توسط یک شخص مقتدر در رأس امور ممکن می‌داند و می‌نویسد، با وجود چنین شخصی است که نوسازی در هر زمینه‌ای ممکن می‌شود (آینه، س ۱، ش ۱، تیر ۱۳۰۴). آینه همچنین در باب نوسازی ایران مقاله‌ای تحت عنوان «آینه روشن» به قلم سید حسن تقی‌زاده منتشر کرد و در این مقاله، وجود یک دولت مقتدر مرکزی و وحدت ملی را از ارکان مهم نوسازی و پیشرفت کشور ذکر نمود (تقی‌زاده، «آینه روشن»، همان جا).

۳. نوسازی ارتش و نظام وظیفه‌ی اجباری

ایجاد ارتشی نیرومند به عنوان بخشی از برنامه‌ی کلی مدرن‌سازی دفاعی، هدف محوری اصلاح‌طلبان عصر قاجار به‌شمار می‌آمد. اگر چه در دوره‌ی اصلاحات عباس میرزا، امیرکبیر و میرزا حسین خان سپهسالار تلاش‌هایی در این راستا صورت گرفت، لیکن اقدامات مزبور به تشکیل ارتشی مجهز و مقتدر منجر نشد. یکی از اهداف عمده‌ی بسیاری از شرکت‌کنندگان در انقلاب مشروطه، ایجاد دولتی نیرومند با ارتشی کارآمد که بتواند بر عقب‌ماندگی ایران فائق آید، بود (اتابکی، همان: ۱۳۸). با انقلاب مشروطه، قدرت سنتی استبدادی آسیب جدی دید لیکن قدرت جدیدی جایگزین آن نشد. هرج و مرج، نا امنی و بی‌ثباتی سیاسی پس از جنگ جهانی اول، لزوم تشکیل ارتش ملی را به عنوان ضرورتی اجتناب‌ناپذیر در نزد بسیاری از روشنفکران تجددخواه مطرح ساخت.

بر این اساس، پس از کودتای ۱۲۹۹ هجری شمسی، یکی از ارکان عمده‌ی نوسازی از نگاه مطبوعات تجددگرا، تشکیل ارتش و نظام وظیفه‌ی اجباری بود. از جمله آن که نشریه‌ی هفتگی پهلوی تنها راه مهم ارتقاء و نوسازی کشور را در داشتن ارتش مقتدر دانست و با بیان این مطلب که ارتش ایران در مقایسه با کشورهای متمدن فاقد اطلاعات و دانش لازم جنگی است، توسعه‌ی مدرسه‌ی نظام را از اقدامات ضروری ترقی ارتش برشمرد و پیشنهاد کرد که برای تدریس در این مدارس، به جای استفاده از معلمان خارجی، بهتر است عده‌ای برای تحصیل فنون جنگی به اروپا اعزام شوند تا ایران از لحاظ جنگی متکی به خارجی‌ان نباشد (مجله‌ی پهلوی، س ۱، ش ۲۳، ۲۷ تیر ۱۳۰۳ ه.ش).

ماهنامه‌ی آینه نیز با بیان این مطلب که ارتش ایران برای حفظ امنیت داخلی کافی است، راه گسترش ارتش و قوی‌تر شدن آن را در قانون نظام اجباری می‌دانست و بر این اعتقاد بود که ارتش منظم و مقتدر اساس استقلال، باعث اقتدار و امنیت در کشور است (آینه، س ۱، ش ۲، مرداد ۱۳۰۴ ه.ش).

۴. لزوم تعلیم و تربیت جدید

یکی از مباحث بسیار مهم درباره‌ی نوسازی که در تمامی شماره‌های مجله‌ی آینده بدان پرداخته شده است، جایگاه تعلیم و تربیت و اهمیت آن در روند نوسازی کشور است. در این زمینه نظریات متفاوتی توسط نظریه پردازان نوسازی ضمن سلسله مقالاتی تحت عنوان «تعلیم ابتدایی یا عالی؟» به قلم سید حسن تقی زاده نماینده‌ی مجلس شورای ملی، میرزا عیسی خان صدیق، دکتر مشرف نفیسی، دکتر حبیب الله خان و میرزا ابوالحسن خان فروغی مدیر دارالمعلمین به چاپ رسیده است.

تقی زاده از موافقان گسترش دادن آموزش ابتدایی در سطح کشور بود. وی چنان اهمیتی برای تعلیم ابتدایی و اجباری نمودن آموزش ابتدایی در کشور قائل بود، که آن را به هیچ روی با تعلیمات عالی‌ه برابر نمی‌دانست و عقیده داشت که بالا رفتن سطح سواد در توده بسیار مهم‌تر از داشتن جامعه‌ای است که در آن تعداد اندکی تحصیلات عالی‌ه دارند. وی بر این باور بود که تنها در این صورت است که عموم به اهمیت اصلاحات پی می‌برند و برای رسیدن به آن مهم می‌کوشند (تقی‌زاده، «تعلیمات ابتدایی یا عالی؟»، آینده، س ۱، ش ۱، تیر ۱۳۰۴ ه.ش). زیرا هر گونه نوسازی در کشور بدون تعلیم و تربیت عمومی دوامی نمی‌یابد. نویسنده برای اثبات سخنان خود در این زمینه به کشور مصر و سلاطین اصلاح طلب عثمانی و تلاش‌های پترکبیر در راستای نوسازی روسیه اشاره می‌کند و نتیجه می‌گیرد، با وجود تلاش‌هایی که اصلاح‌طلبان در این کشورها صورت دادند، چون قشر عظیمی از مردم سواد عمومی نداشتند، نهایتاً موفقیتی در مقوله‌ی نوسازی حاصل نشد.

وی به طور اخص به روسیه اشاره می‌کند و توضیح می‌دهد که با وجود داشتن مدارس عالی‌ه، کتابخانه‌ها، پزشکان، مهندسان، فارغ‌التحصیلان حقوق، دامپزشکی، کشاورزی، انجمن‌های مختلف تخصصی و حتی مدارس برای زنان، چون برای آموزش ابتدایی ارزش چندانی قائل نبودند و طبقه‌ی متوسط از سواد محروم بودند، در مقایسه با کشورهای مثل آلمان و دانمارک که آموزش ابتدایی در آن‌ها اجباری است، عقب‌مانده‌تر هستند. در ژاپن نیز میکادو با توجه به اهمیت تعلیم و تربیت عمومی، توانست در نوسازی ژاپن با موفقیت قدم بردارد.

تقی‌زاده با ارائه‌ی این دلایل، سد محکم در برابر هر نوع نوسازی را وجود ملت بی‌سواد می‌داند و نوسازی یک جامعه را تنها در صورتی ممکن می‌داند که عموم مردم برای اصلاحات آمادگی داشته باشند، خواهان اصلاحات باشند، و با هم در این راستا همفکری کنند؛ در غیر این صورت، حکومت‌ها به تنهایی موفق نمی‌شوند و هر قدمی که در راه نوسازی بردارند، از

طرف توده‌ی نادان کفر و فساد تلقی می‌شود؛ و طبیعی است که بدون اجباری نمودن تعلیم عمومی و بالا بردن سطح آگاهی توده، تنها یک طبقه‌ی محدود خواهان نوسازی در تمام وجوه کشور هستند. پس تنها راهی که رهبران نوسازی می‌توانند برای همسو کردن ملت با خود انجام دهند، انتشار نظریات و عقاید خود و اثبات درستی مسیرشان برای توده‌ی مردم است و این انتشار افکار و عقاید تنها از طریق آموزش عمومی حاصل می‌شود. زیرا در صورت با سواد بودن عموم، دولت قادر خواهد بود کتاب‌ها و مجله‌های مختلف در باب فواید نوسازی را در بین عامه‌ی مردم منتشر کند.

وی نخستین قدم برای رسیدن به این مهم را بالا بردن بودجه‌ی معارف می‌داند و عقیده دارد، این قدمی است که سرانجام به سعادت می‌رسد (تقی‌زاده، آینده، س ۱، ش ۳، مهر ۱۳۰۴ ه.ش). زیرا سواد عمومی باعث بالا رفتن سطح زندگی انسان می‌شود و اولین نتیجه‌ی باسوادی عمومی، حس وطن‌پرستی است. حس وطن‌پرستی کلید ترقی و نوسازی به شمار می‌رود. وی همچنین سواد عمومی را دلیل افزایش درک عمومی می‌خواند و درک عمومی را یکی از علل ترقی و آزادی می‌داند. او برای اثبات سخنانش، مشروطه‌طلبان را مثال می‌زند و می‌گوید: «آیا آزادی‌طلبان و وطن‌دوستان دوره استبداد که راه ترقی را برای این مملکت باز کردند، در مدارس عالی‌ه تربیت شده بودند؟» وی عقیده دارد، این مشروطه‌خواهان در مکتب‌ها سواد آموختند و سپس با مطالعه‌ی کتاب‌های مختلف در راه نوسازی کشور گام برداشتند. وجود عده‌ای معدود با تحصیلات عالی، بدون تعلیمات عمومی، نمی‌تواند کشور را از استبداد نجات دهد. اگر آموزش ابتدایی اجباری شود، افراد دانا به‌وجود می‌آیند (تقی‌زاده، آینده، س ۱، ش ۶، دی ۱۳۰۴ هجری شمسی) و در این صورت است که اگر جامعه درجات ترقی را طی کند، می‌تواند آن را حفظ نماید؛ زیرا تمام اصلاحات و نوسازی در جامعه به محض کوچک‌ترین فشاری نابود می‌شود و تنها ترقی عموم ملت است که «سرمایه زوال‌ناپذیری برای مملکت» است و می‌تواند جامعه را در ثبات نگه دارد. وی در پاسخ طرفداران تعلیم عالی، «وجود یک عده عالم بدون تعلیم عمومی ملت را مانند وجود یک عده صاحب‌منصب خوب بدون سرباز مشق دیده» می‌داند که در صحنه‌ی جنگ نمی‌توانند کاری از پیش ببرند (تقی‌زاده، آینده، س ۱، ش ۷، بهمن ۱۳۰۴ هجری شمسی).

دکتر حبیب‌الله خان (از کرمانشاه) نیز در موافقت با تقی‌زاده نوشت: «تعلیم ابتدائی راه وصول به مطلوب را باز می‌کند». وی عقیده دارد، بالا رفتن آمار سواد در میان توده منجر به بهبود اوضاع اجتماعی و اقتصادی کشور و حل بحران‌های اساسی خواهد شد. به همین دلیل، خواستار اصلاحات اساسی و ریشه‌ای در وزارت معارف بود. و این مهم را تنها از طریق

استخدام کارشناسان و مشاوران خارجی آگاه ممکن می‌دانست (آینده، س ۱، ش ۱۰، اردیبهشت ۱۳۰۵ هجری شمسی). در مقابل آن، عیسی صدیق در زمان مطرح شدن بودجه‌ی سال ۱۳۰۳ هجری شمسی معارف در مجلس، ضمن تأکید بر ارزشمند بودن آموزش عالی، اظهار داشت: با وضعیتی که در جامعه‌ی امروز حاکم است، تعلیمات عالی باید مقدم بر تعلیمات ابتدایی باشد. زیرا غرض از تعلیم و تربیت این است که ایران به صورت یک مملکت مترقی درآید. بنابراین به افرادی نیاز دارد که از عهده‌ی نوسازی کشور برآیند. در حالی که عمومیت یافتن و اجباری نمودن تعلیمات ابتدایی در کشوری مانند ایران هزینه‌ی بالایی یعنی چیزی در حدود نیمی از بودجه‌ی کل کشور را می‌طلبد. به اضافه‌ی هزینه‌ای که صرف نگارش و تدوین کتاب‌های مناسب برای کودکان می‌شود و مشکلاتی نظیر کمبود معلم و... که وزارت معارف با آنان روبه‌رو است.

وی بر این باور است که پس از حل این مشکلات در پایان باسواد شدن توده تغییر در طرز فکر و روحیات مردم نمی‌دهد و بنابراین کمکی به اصلاحات و نوسازی نخواهد کرد. وی یکی از مهم‌ترین راه‌های رسیدن به این مهم را در اعزام دانشجویان محروم و با استعداد به اروپا می‌داند و عقیده دارد، آنان باید ضمن آموزش علوم مختلف در مدارس اروپا، شخصاً با پیشرفت‌های غربی آشنا شوند و پس از بازگشت بتوانند زمام امور را در دست گیرند و زمینه‌های نوسازی کشور را فراهم کنند. حتی می‌توانند اساس تعلیم ابتدایی در ایران را به شیوه‌ای صحیح برنامه‌ریزی نمایند. وی برای اثبات سخنان خود، کشورهای ژاپن و روسیه را مثال می‌زند و عقیده دارد ژاپن با شیوه‌ای صحیح و برنامه‌ریزی شده، ابتدا تعلیمات عالی را رواج داد، سپس دست به اصلاحات در نظام آموزش ابتدایی زد. در حالی که روسیه به دلیل وضع اجتماعی حاکم بر آن کشور، در این زمینه موفقیتی کسب نکرد (صدیق، آینده، س ۱، ش ۵، آذر ۱۳۰۴ ه.ش).

مشرف نفیسی نیز بر این باور بود که، عمومیت دادن سواد در راستای نوسازی ایران امری حیاتی و مهم است. وی اظهار داشت: «در مملکتی که تعلیمات ابتدایی عمومیت دارد بهترین و پایدارترین وثائق استقلال خارجی و آزادی در داخله و سعادت عمومی فراهم است». او همچنین افزود: تحصیلات ابتدایی در حالی ضامن اصلاحات در کشور است که به تحصیلات عالی منتهی شود؛ و خواندن و نوشتن صرف قادر نخواهد بود در تفکر توده انقلابی ایجاد نماید و کشور را به سوی نوسازی هدایت کند. وی با توجه به این که کشور به تخصص‌های متفاوت در زمینه‌های مختلف نیاز دارد، عنوان داشت: شرط نوسازی در کشور، وجود افرادی است که از لحاظ علمی و عملی قادر به رهبری توده باشند. نفیسی برای اثبات سخنان خود،

کشورهای آلمان، انگلیس و فرانسه را مثال می‌زند و به کشور فرانسه به عنوان الگو اشاره می‌کند و توضیح می‌دهد، تعلیمات ابتدایی در ۵۰ سال گذشته در این کشور عمومیت یافته و اجباری شده است؛ حال آن که مؤسسه‌ی آموزش عالی همچون سوربون از قرن‌ها قبل موجودیت داشته است. سپس نتیجه می‌گیرد: «اگر ما هم خواسته باشیم مثل آنها بشویم باید راهی را که آنها پیموده‌اند دنبال کنیم و قبل از هر چیز وسائل تحصیلات عالی را در این مملکت فراهم آوریم». البته مشرف نفیسی، ساخت مدارس تخصصی در ایران را با توجه به شرایط کشور مناسب نمی‌داند و خواستار اعزام دانشجویان به اروپا می‌شود. وی نیز مانند عیسی صدیق بر این باور است که در این صورت، طبقه‌ی جدیدی از روشنفکران در کشور تشکیل خواهد شد که قادر خواهند بود اساس تمدن نوینی را پی‌ریزی نمایند: «اگر واقعاً مایلیم درین مملکت همه کس باسواد باشد شرط اول آن ایجاد طبقه منورالفکر قوی در مملکت می‌باشد خود آنها تعلیمات ابتدائی مجانی را درین مملکت اشاعه خواهند داد» (مشرف نفیسی، آئینده، س ۱، ش ۸، فروردین ۱۳۰۸ هجری شمسی).

میرزا ابوالحسن خان فروغی نیز که به عنوان «مدیر محترم دارالمعلمین» در این سلسله بحث‌ها شرکت داشت، مسئله را به صورت «هم تعلیم ابتدائی هم معارف عالی» عنوان نمود. وی هر دو مورد را در بالا بردن سطح آگاهی توده ضروری می‌داند و از آنها تحت عنوان «مقصود مقدس» یاد می‌کند. زیرا: «در حقیقت هر کدام جزئی ضروری از طلب و ترویج معارف است و تکمیل شرط معارف طلبی در جمع بین هر دو می‌باشد» (فروغی، آئینده، س ۱، ش ۹، اسفند ۱۳۰۴ هجری شمسی). بنابراین، هر دو لازم و ملزوم یکدیگرند؛ از آنجایی که مسیر در رسیدن به بالاترین سطوح علمی باید پله پله طی شود (آئینده، س ۱، ش ۱۰، اردیبهشت ۱۳۰۵ ه.ش). فروغی خواستار عمومیت دادن تعلیمات ابتدایی به عنوان مقدمه‌ای بر تحصیلات عالی بود (آئینده، س ۱، ش ۹، اسفند ۱۳۰۴ هجری شمسی) و نوشت: «فایده بزرگی که تعلیم عمومی در نجات مملکت می‌تواند داشته باشد تهیه استعداد است در عامه ملت برای قبول و پیروی نهضتی که به فکر صاحبان فکر و نظر باید وقوع یابد پس تعلیم ابتدائی ازین حیث هم چیزی نیست جز یک وسیله از وسائل تکمیل استفاده از معارف عالی» (آئینده، س ۱، ش ۱۰، اردیبهشت ۱۳۰۵ هجری شمسی). وی معارف عالی را «کمال مطلوب» خواند و همانند صدیق و نفیسی برای اثبات نظر خود به دول متمدن اروپایی که ابتدا تعلیمات عالی و سپس ابتدایی را رواج دادند، اشاره کرد و نوشت: «نشر تعلیم ابتدائی بدون شرایط حسن اداره و رعایت نکات تعلیم و تربیت اشاعه جهل و فساد عمومی خواهد بود نه سواد و تربیت عمومی» (آئینده، س ۲، ش ۱۱، تیر ۱۳۰۵ هجری شمسی). وی همچنین بر این باور بود که، با توجه به

این که معارف روح مملکت است، قبل از هر اقدامی افزایش بودجه‌ی این وزارتخانه و اصلاحات در نظام آموزشی کشور و حل مشکلات اساسی در آن نهاد، ضروری است (آینده، س ۱، ش ۱۰، اردیبهشت ۱۳۰۵ هجری شمسی).

۵. اصلاح خط و الفبای فارسی

به نظر مجله‌ی آینده، یکی از نکات ضروری در عمومیت دادن سواد، اصلاح خط فارسی است. این مجله در سلسله مقالاتی به نام «لزوم اصلاح خط فارسی»، تاریخچه‌ی خط و چگونگی اختراع آن را توضیح داد و مطالبی درباره‌ی نقاط ضعف الفبای فارسی منتشر کرد (آینده، س ۱، ش ۳، مهر ۱۳۰۴ هجری شمسی).

لزوم اصلاح الفبا و یا خط فارسی از موضوع‌هایی بود که برای نخستین بار در دوره‌ی ناصرالدین شاه و توسط میرزا ملکم خان و فتحعلی آخوندزاده مطرح گردید؛ اما چون مورد توجه جدی قرار نگرفت، به فراموشی سپرده شد. پس از کودتای ۱۲۹۹ هجری شمسی، موضوع ضرورت اصلاح خط فارسی به عنوان یکی دیگر از ارکان نوسازی مورد توجه روشنفکران تجددخواه قرار گرفت. نشریه‌ی هفتگی *دنیا* / *امروز* یکی از مجلات طرفدار تغییر خط فارسی بود. این نشریه در شماره‌ی اول خود، ضمن تشریح یک خط جدید که با حروف لاتین و از چپ به راست نوشته می‌شد، مقالاتی با این خط در این شماره و شماره‌های بعد به چاپ رساند (*دنیا* / *امروز*، س ۱، ش ۱ و ۳، ثور و جوزای ۱۳۰۱ هجری شمسی). همچنین، در شعری از «رشید یاسمی» به نام «شکایت از خط فارسی»، اشکالات این خط را با زبان شعر بیان کرد. شاعر بر این باور است که، با در نظر گرفتن اشکالات خط فارسی، حتی اگر صدها کتاب هم خوانده شود، ادعای باسوادی سخنی گزاف است. وی در ادامه می‌افزاید، اشکالات موجود در زبان فارسی بسیار وسیع است و برای فهرست کردن آن باید عمری جاودانه داشت. شاعر در پایان دو مشکل خط فارسی را از همه مهم‌تر می‌داند و عقیده دارد، تنها با رفع این عیوب کودکان ایرانی می‌توانند خواندن و نوشتن را بیاموزند: «یکی فرق حروف ما به نقطه که زیر و رو ز یک تا سه فشانی» / «دگر خالی بدن ز اعراب کز بر ببااید فتح و ضمش را بدانی» (یاسمی، *دنیا* / *امروز*، س ۱، ش ۱، ثور ۱۳۰۱ ه.ش).

دنیا / *امروز* برای اثبات سخنانش در خصوص لزوم اصلاح خط فارسی، در مقایسه‌ای بین خط فارسی و فرانسه، با مشکل خواندن خط فارسی، بیان می‌دارد، زمان یادگیری آن برای کودکان دو سال زمان می‌برد؛ در حالی که کودکان فرانسوی در طول ۶ ماه خواندن و نوشتن را می‌آموزند. نویسنده دلیل عقب‌ماندگی کودکان ایرانی از فرانسوی را به همین مورد مربوط

می‌سازد و رشد و پیشرفت ایران را منوط به اصلاح خط می‌داند و سخن مخالفان اصلاح خط به بهانه‌ی مخالفت با اسلام را رد می‌کند و آن را از تعصبات جاهلانه می‌شمارد و برای توجیه آن تصحیح خط در صدر اسلام برای آموزش آسان‌تر را مثال می‌زند و عقیده دارد، اصلاح خط به هیچ روی منافاتی با اسلام ندارد (دنیای / امروز، س ۱، ش ۳، جواز ۱۳۰۱.ش).

آینده بر این باور است که خط فارسی «خیلی معیوب و ناقص و محتاج به اصلاح است». وی دلیل سخنان خود و مخالفت با خط فارسی را چنین عنوان می‌کند: «اولاً اشکال مختلفه حروف که جداگانه یا در ابتدا یا وسط یا آخر کلمه نوشته می‌شود، ثانیاً کثرت نقطه‌ها ثالثاً، تشابه حروف، رابعاً، داخل نبودن اعراب در کلمات، خامساً، اتصال بعضی حروف بهم‌دیگر و عدم اتصال برخی از آنها». نویسندگان در ادامه آن‌ها را توضیح می‌دهد و عقیده دارد، خواندن یک کلمه بسیار سخت است و آن را می‌توان به عنوان مختلفی خواند. وی علت اصلی عقب ماندگی ایرانیان را در سخت بودن الفبا می‌داند و با بیان این مطلب که کودکان ایرانی نگارش را به سختی و با صرف وقت زیادی یادگیری می‌آموزند، بر این باور است که حتی حفظ زبان فارسی هم در سایه‌ی اصلاح خط ممکن خواهد شد (آینده، س ۱، ش ۴، آبان ۱۳۰۴.ش). همچنین، علل گرانی کتاب و جراید فارسی را اشکالات خط می‌داند و عقیده دارد که خط فارسی باعث گرانی هزینه‌ی چاپ می‌شود و از مهم‌ترین راه‌های نوسازی نظام تعلیم و تربیت کشور را آسان کردن و اصلاح نمودن الفبا می‌شمارد (آینده، س ۱، ش ۱، تیر ۱۳۰۴.ش).

۶. حل بحران اقتصادی

نوسازی اقتصادی از مباحث مورد بحث و مهم در مجله‌ی / آینده است، این نشریه اقتصاد را در شیوه‌ی زندگانی مردم اساسی می‌شمارد و تا جایی پیش می‌رود که نداشتن احزاب سیاسی و شعور اجتماعی ایرانیان در ایران را با شیوه‌ی معیشت و اقتصاد مردم مرتبط می‌داند (آینده، س ۱، ش ۴، آبان ۱۳۰۴.ش؛ همان، س ۱، ش ۵، آذر ۱۳۰۴.ش).

نظر این نشریه درباره‌ی اوضاع اقتصادی در ایران را می‌توان در مقاله‌ی «بحران» به قلم علی اکبر داور وزیر اسبق فلاحت، تجارت و فوائد عامه، با این عنوان که «اساس بحران ما اقتصادی است»، مشاهده نمود. وی تمامی مشکلات کشور را اقتصادی دانسته، منشاء ویرانی‌ها را از دوران ناصرالدین شاه و «کهنه» و «اساسی» خوانده، خواستار حل بحران اقتصادی به عنوان پیش‌نیاز اصلاحات در کشور شده است. وی در این باره می‌نویسد: «چه باید کرد؟ فکر نان. اساس خرابی کارهای ما بی‌چیزی است. ملت فقیر به حکم طبیعت محکوم به تمام این نکبت‌ها است. شما خیال کردید اصول حکومت ملی را با چند بند و اصل

و ماده به حلق مردم مفلوک فرو می‌شود کرد؟» وی نقش دولتمردان در این خصوص را بسیار مهم می‌داند و از مردم نیز می‌خواهد به این امر توجه کنند: «اگر واقعاً میل دارید اوضاع عمومی اصلاح بشود زندگانی اقتصادی را تازه و نو کنید، کار نداشته باشید من شبی چند مرتبه از عشق آزادی ضعف می‌کنم، نگاه کنید برای اصلاح زندگی مادی شما چه نقشه و فکر عملی دارم. خلاصه دنبال نان بروید آزادی خودش عقب شما می‌آید». داور توسعه‌ی کشاورزی و اصلاح تجارت را در راستای صنعتی شدن کشور می‌داند و تولید انبوه را توصیه می‌کند: «هر وقت موفق شدیم بیش از احتیاج و مصرفمان تولید ثروت کنیم آن وقت بحران اقتصادی دست از گریبان ما خواهد کشید». دولت در این مهم نقش اساسی دارد (داور، آینده، س ۲، ش ۱۳، دی ۱۳۰۵ ه.ش). البته با توجه به ضعف اقتصادی کشور، استقبال از سرمایه‌های داخلی و خارجی را به شرط این که برای سوء استفاده‌ی سیاسی نباشد، در راستای استخراج منابع ثروت و مفید می‌داند (آینده، س ۱، ش ۱، تیر ۱۳۰۴ ه.ش). از دید مجله‌ی آینده، حل بحران اقتصادی ایران، با توجه به موقعیت جغرافیایی و اقلیمی کشور، منوط به نوسازی در کشاورزی و توسعه‌ی تجارت است.

الف. نوسازی کشاورزی

آینده در باب نوسازی اقتصادی، با ذکر این مطلب که «رفع بحران اقتصادی ایران منوط به ترقی فلاح است»، راه رسیدن کشور به اقتصادی قوی را در توسعه‌ی کشاورزی می‌داند (آینده، س ۱، ش ۲، شهریور ۱۳۰۴ ه.ش). این نشریه علت نابسامانی اجتماعی را رکود اقتصاد و کشاورزی می‌داند (آینده، س ۱، ش ۸، فروردین ۱۳۰۵ ه.ش). و در راستای توسعه‌ی کشاورزی، به خصوص به پرورش کرم ابریشم اشاره می‌کند و ابریشم را از منابع مهم ثروت و تخم نوغان را از مهم‌ترین صادرات ایران می‌داند و در ادامه توضیح می‌دهد، با توجه به هزینه و زمانی که صرف تولید آن می‌شود، تولید و صادرات آن را از بهترین راه‌های بهبود اوضاع اقتصادی برمی‌شمارد (آینده، س ۱، ش ۱، تیر ۱۳۰۴ ه.ش). به همین دلیل در مقاله‌ای با عنوان «ایجاد توتستان برای پرورش کرم ابریشم» که توسط ذوالریاستین رئیس فلاح نگاشته شده، به این امر مهم می‌پردازد. وی تولید ابریشم را کالای مهمی در ارتقای کشاورزی ایران معرفی می‌کند و در این راستا به پرورش درخت توت که خوراک اصلی کرم ابریشم است، اشاره می‌نماید و خواستار توسعه و افزایش توتستان‌ها در سطح کشور می‌شود. نویسنده به فواید اقتصادی که درخت توت به همراه می‌آورد، می‌پردازد و بر این باور است که علاوه بر این که از برگ‌های آن می‌توان به عنوان خوراک اصلی کرم ابریشم در اوایل بهار استفاده نمود، از

میوهی آن می‌توان برای انسان، و از برگ‌هایش، بعد از مصرف کرم ابریشم، می‌توان برای احشام استفاده کرد؛ از چوب آن نیز می‌توان در صنعت نجاری بهره گرفت. وی توسعه‌ی توستان‌ها را در رونق کشاورزی و دامداری مهم می‌داند (آینده، س ۱، ش ۱۰، اردیبهشت ۱۳۰۵ ه.ش).

آینده همچنین در مقاله‌ای تحت عنوان «بحران» به قلم علی اکبر داور وزیر اسبق فلاح، تجارت و فوائد عامه، به مشکلات اقتصادی در کشور پرداخته است. داور می‌نویسد: با توجه به پهناور بودن ایران رونق کشاورزی و آباد کردن زمین‌های بایر منوط به سعی و تلاش کشاورزان است. وی با توجه به کمبود جمعیت و وسعت سرزمین ایران، بر این باور بود که «از لحاظ زمین برای جمعیت کم ایران تمام زمین وسیعش را نمی‌توان اساساً آباد کرد ولو آنکه جمیع مردم همه اوقاتشان را بکار آبادی زمین می‌زدند» وی عقیده دارد، کشاورزی در ایران استعداد صنعتی شدن را دارد و در راستای نوسازی اقتصادی باید به این مهم پرداخت. داور با تأسف از این که کشاورزان و دامداران ایرانی برای بهبود اوضاع کسب و کار خود به جای اعتماد نمودن به متخصصین و اهل فن به خرافات و «طلسم‌نویسی» روی می‌آورند، اظهار تأسف می‌کند و می‌نویسد: «کمی آدم، بدی سبک کار، کمی سرمایه، همه دست به هم داده نمی‌گذارد املاک ما آباد و محصولات فلاحی ما فراوان بشود». وی عقیده دارد که ما هیچ اقدامی برای بهبود اوضاع انجام نمی‌دهیم. در حالی که غریبان با شیوهی «در مدت کم جنس زیاد به عمل آوردن» اقتصاد کشاورزی خود را وسعت داده‌اند. وی بر این باور است که کشت برخی از محصولات که به سلامت عمومی جامعه ضرر می‌زند، باید حذف شود. وی برای نمونه به کشت برنج اشاره می‌کند و عقیده دارد کار در شالیزارها به سلامت جسمی و روحی کشاورزان ضربه وارد می‌نماید (آینده، س ۲، ش ۱۰، دی ۱۳۰۵ ه.ش).

آینده همچنین نقش آب و آبیاری و دفع آفات را در ارتقای کشاورزی ضروری می‌داند و در این راستا از دولت خواستار تعیین بودجه برای سدسازی می‌شود (آینده، س ۱، ش ۱، تیر ۱۳۰۴ ه.ش). این نشریه البته شرط پیشرفت تولید در کشاورزی را استخدام متخصصان خارجی ذکر می‌کند (آینده، س ۱، ش ۱، تیر ۱۳۰۴ ه.ش).

ب. توسعه‌ی تجارت

آینده به اهمیت تجارت در نوسازی اقتصادی توجه ویژه‌ای داشت. نقش تجار در نوسازی کشور را حیاتی می‌دانست و بازرگانان را به «رگهای بدن» تشبیه می‌کرد (آینده، س ۱، ش ۱، فروردین ۱۳۰۵ ه.ش). این نشریه، به خصوص بر این باور بود که تجار باید به طرز صحیحی

تربیت شوند تا از لحاظ علمی و عملی قادر به ازدیاد ثروت کشور باشند و در راستای نوسازی اقتصادی گام بردارند. از جمله در یکی از مقالاتی که در خصوص تأسیس مدرسه‌ی عالی تجارت چاپ شده است، نوسازی کشور را توجه به اموری می‌داند که سبب افزایش ثروت و بهتر شدن وضع مالی مردم شود.

نویسنده در این زمینه به اصلاحات اقتصادی اروپا اشاره می‌کند و بیان می‌دارد: «برای تدریس معلومات لازمه تجارتي و صنعتی و اقتصادی مدارس و مکاتب افتتاح می‌کنند و حتی از کوچکترین نقاط و مراکز تجاری دنیا اطلاعات جمع آوری نموده و به تجار می‌دهند و برای جلب مسافرین و مشتری نمایشگاه‌ها در مملکت خود تأسیس می‌نمایند و در خارج مأمورین قونسول و تجارتي و غیره اعزام داشته و در نمایشگاه‌های دنیا شرکت کرده و با هر وسیله و اعمال نفوذ تجار خود را مساعدت و راهنمایی می‌کنند و علی‌ال اتصال برای فروش امتعه و تزئید ثروت مملکت و پیشرفت امور تجار خویش بازارهای جدید پیدا نموده و تجار و مال‌التجاره خود را بدان صوب گسیل داشته و معرفی می‌نمایند و در این کار رقابت شدیدی فیما بین ملل متمدنه دنیا حکمفرما است».

آینده تأسیس مدرسه‌ی عالی تجارت را گامی مهم در راستای نوسازی اقتصادی می‌داند؛ زیرا این مدرسه می‌تواند تجاری تربیت کند که برای اقتصادی موفق فکری باز دارند و می‌توانند ثروت مملکت را افزایش دهند. علاوه بر آن، به اغلب ادارات اقتصادی، مثل گمرکات، خدمات مفیدی ارائه دهند. همچنین رکود اقتصادی و فقر مملکت که به سبب بی‌سوادی تجاری بازرگانان است، از بین می‌رود و تجار ایرانی با دانستن زبان‌های خارجی و آگاهی‌هایی که راجع به حمل و نقل و وسایل نقلیه‌ی دنیا، حقوق و قوانین تجاری و علم اقتصاد در این مدارس می‌آموزند، می‌توانند در راستای نوسازی اقتصادی گام بردارند (آینده، س ۱، ش ۸، اسفند ۱۳۰۴ ه.ش).

همچنین، در مقاله‌ی دیگری از تأسیس «مدرسه عالی تجارت» که توسط مدیر کل در وزارت فلاح و تجارت و فوائد عامه نگاشته شده است، از تأسیس چنین مدرسه‌ای ابراز خشنودی می‌کند و بر این باور است که «مدرسه عالی تجارت علاوه بر اینکه تجار خوب برای ما تهیه می‌نماید افرادی می‌تواند حاضر کند که فکر و هم آنها در توسعه شعبات مختلفه اقتصادی مملکت مصروف و خدمات آنان در تولید ثروت و ترقی مملکت خیلی مغتنم خواهد بود و بعلاوه می‌توانند در اغلب ادارات اقتصادی مملکت نیز از قبیل گمرکات و قونسولگری‌ها و وزارت تجارت مصدر خدمات مهم و مفیدی واقع شوند». دکتر اویسی با توجه به این موضوع که تجارت در دنیای مدرن تبدیل به علم شده است، دلیل رکود تجارت در ایران را

بی توجهی به این مهم دانسته است (آینده، س ۱، ش ۹، اسفند ۱۳۰۴.ش). آینده همچنین نقش تجارت را در اقتصاد سیاسی کشور مهم می‌داند و می‌نویسد: بدون تجارت، صنعت و کشاورزی نیز از رونق می‌افتد. این نشریه، احداث و حمایت از مدرسه‌ی تجارت را مهم ارزیابی می‌نماید و آن را عامل اعتلای معارف و هم تجارت می‌نامد. در مقاله‌ی «سیاست و اقتصاد» رابطه‌ی بین این دو را چنین توضیح داد: «... دو قوه متلازم است. به این واسطه در مدارس عالی‌ه علوم سیاسی اروپا مسائل اقتصادی و تجارتي جزو قسمت‌های مهم تدریس است و بسیاری از قنصول‌های دول نیز از طبقه تجار انتخاب می‌شوند...». نویسنده، تجار را «مهم‌ترین عوامل فعال هر مملکت» توصیف کرده، ثروت و قدرت یک کشور را لازم و ملزوم یکدیگر دانسته است. زیرا «ملتی که فاقد وسائل تولید ثروت و شدیداً محتاج به خارج باشد واردات او زیاد شده و باصطلاح عموم پول مملکت در ازای آن خارج می‌شود و فقر و دست تنگی [تنگی] عمومیت پیدا خواهد نمود. ملت که فقیر شد دولت هم نمی‌تواند جوهری که برای مخارج مملکتی لازم است به اسم مالیات یا استقراض داخلی یا عنوان دیگری از او بخواهد مگر آنکه یک صدمه و ضربت تازه به ارکان اقتصادی و اجتماعی مملکت وارد آورد».

نویسنده حتی دلیل اوضاع نابسامان اجتماعی در ایران را، به سبب رکود اقتصاد می‌داند و عقیده دارد: «در ایران نه سرمایه کافی داریم، نه اعتبار، نه علم تجارت و نه سیاست تجارتي» (آینده، س ۱، ش ۸، فروردین ۱۳۰۵.ش). این نشریه در مقاله‌ای به قلم علی اکبر داور نماینده‌ی مجلس شورای ملی نوشت: باید در صادرات و واردات توازن ایجاد نمود برای رسیدن به این مهم باید تولیدات داخلی را افزایش داد ولی قبل از آن شناسایی بازار و جذب مشتری بسیار ضروری است. نویسنده توضیح می‌دهد که مشتری یابی، قیمت‌گذاری و بازاریابی علم تجارت روز است که تجار ایرانی از آن آگاهی ندارند. و تنها در صورت دقت در این موارد است که مشتری زیادی جذب محصول خواهد شد. وی البته حمل و نقل مناسب و ارزان را نیز ضروری می‌داند. وی با توجه به نا آگاهی تجار، بر این باور است که دولت وظیفه سنگینی در این خصوص برعهده دارد و تجار ایرانی راه زیادی پیش‌رو دارند تا به سطح تجار اروپایی برسند (آینده، س ۲، ش ۱۰، دی ۱۳۰۵.ش). تقی‌زاده نیز در مقاله‌ای احداث راه‌ها را یکی از طرق نوسازی اقتصادی و بهبود تجارت دانسته است (آینده، س ۱، ش ۱، تیر ۱۳۰۴.ش).

محمود افشار هم با مقاله‌ای بر سخنان داور صحنه می‌گذارد و توازن در صادرات و واردات را که آن را «تعادل و موازنه» می‌نامد راهی به سوی نوسازی اقتصادی می‌داند. وی به همین دلیل تجارت با روسیه را در مقابل تجارت با انگلستان، دارای منافع بیشتری برای ایران به

شمار می‌آورد و عقیده دارد، بین کالاهای روسی که وارد ایران می‌شود و کالاهای ایرانی که وارد روسیه می‌گردد، تعادل بیشتری برقرار است تا بالعکس (افشار، آینده، س ۲، ش ۲، بهمن ۱۳۰۵ ه.ش).

۷. ضرورت نوسازی اجتماعی

از نظر ماهنامه‌ی آینده، نوسازی اجتماعی و سیاسی لازم و ملزوم یکدیگرند. این نشریه نداشتن سواد عمومی و پایین بودن آگاهی مردم را دلیل خوبی برای توجیه وضعیت سیاسی ایران می‌داند و عقیده دارد، برای نوسازی سیاسی در ایران، افراد مانند کشورهای اروپایی باید تدریجاً به شعور سیاسی برسند؛ در حالی که بسیاری از مسائل دموکراسی در ایران تقلیدی بوده و با درک ملت پیش نرفته است (آینده، س ۱، ش ۴، آبان ۱۳۰۴ ه.ش).

آینده داشتن یک خط مشی مشخص، صداقت و درستی (آینده، س ۱، ش ۵، آذر ۱۳۰۴ ه.ش) و انتشار جراید و مجلات جدید را از راه‌های نوسازی اجتماعی می‌داند و بر آن تأکید می‌ورزد. مجله‌ی آینده البته آزادی مطبوعات را نیز از شروط اساسی نوسازی اجتماعی می‌داند (آینده، س ۱، ش ۱، تیر ۱۳۰۴ ه.ش). آینده نقش دولت در نوسازی اجتماعی را اساسی عنوان می‌کند و برای اثبات سخنان خود به روسیه اشاره می‌نماید. وی بر این باور است که در نوسازی اجتماعی باید بسیار محتاط بود. یعنی «از یک سو باید آداب و عادات خوب باستانی خود را نگاه داریم و از دیگر سو قسمت خوب تمدن غرب را هم قبول نمائیم. در نتیجه ما عقیده داریم که دولت باید از این بی‌نقشی حاضر بیرون آمده سیاست اجتماعی معتدلی را تعقیب نماید» (آینده، س ۱، ش ۱، تیر ۱۳۰۴ ه.ش).

همچنین، بر لزوم ورزش و سلامت عمومی که باعث سلامت اجتماعی می‌شود تأکید می‌کند و از دولت می‌خواهد که آن را در تمام مدارس، از پایه تا عالی، اجباری کند (آینده، س ۱، ش ۱، تیر ۱۳۰۴ ه.ش). برای اثبات سخنان خود در این زمینه به کشورهای مدرن، از جمله سوئد، و اجباری بودن ورزش در مدارس اشاره می‌کند و از ورزش به‌عنوان «تربیت معنوی» نام می‌برد. «به عقیده این جانب بهترین وسیله برای امتحان اخلاقی، فکری، تربیتی و سایر مزایای انسانی درباره طفل و یا جوانان همانا واداشتن آنها به بازی است و در بازی‌های تربیتی نواقص اخلاقی جوانان و اطفال بزودی ظاهر می‌شود خلاصه بهترین محک برای تشخیص خوب و بد انسانها و فهمیدن نقصان و کمال آنها از حیث اخلاق و مزایا بازیهای تربیتی می‌باشد» (آینده، س ۱، ش ۱۲، مهر ۱۳۰۵ ه.ش).

تقی‌زاده نیز در این خصوص از دولت خواستار پیشگیری از بیماری‌های واگیردار و توسعه‌ی ورزش در بین عموم است. شرط پیشرفت سلامت عمومی و اجتماعی در ایران را استفاده از نظریات و آراء متخصصان خارجی می‌داند. زیرا تنها در این صورت است که هزینه‌ای که برای سلامت در نظر گرفته می‌شود، به شیوه‌ی درستی مصرف می‌گردد (آینده، س ۱، ش ۱، تیر ۱۳۰۴.ش). سرانجام، برای حفظ سلامت عمومی و اجتماعی تأسیس بیمارستان‌های خوب به روش کشورهای اروپایی را نیز توصیه می‌کند (آینده، س ۱، ش ۱، تیر ۱۳۰۴.ش).

این مجله، نوسازی اجتماعی را منوط به حذف برخی از رفتارهای جامعه که صحیح نیست ولی هنجار است، می‌داند. از جمله، سلسله مقالاتی در مذمت دروغ که به «دروغ مصلحت آمیز» معروف است، به قلم علی دشتی (آینده، س ۱، ش ۳، مهر ۱۳۰۴.ش)، درگاهی (آینده، س ۱، ش ۵، آذر ۱۳۰۴.ش) و نثری (آینده، س ۱، ش ۶، دی ۱۳۰۴.ش) و دیگران منتشر کرد. تقی‌زاده نیز در مقاله‌ای بر لزوم نوسازی اجتماعی تأکید می‌کند و عقیده دارد، کنار گذاشتن تعصبات و عقاید پوچ، سد محکمی در برابر نوسازی می‌شود و راه فکر و شعور را می‌بندد. وی بر این باور است که برای رسیدن به یک کشور نوین، باید عقاید کهنه را کنار گذاشت و از آن به‌عنوان «نهضت ملی» نام برد (آینده، س ۱، ش ۱، تیر ۱۳۰۴.ش).

۸. تداوم مشروطیت و ضرورت اصلاح قانون انتخابات

قانون انتخابات و ضرورت اصلاح آن از موضوع‌های مورد بحث در نشریه‌ی آینده است. مسئله‌ی فقدان احزاب در ایران از دیگر مسائل مورد توجه آینده محسوب می‌گردد. این نشریه یکی از وجوه مهم دموکراسی را داشتن احزاب سیاسی می‌داند (آینده، س ۱: ش ۴ و ۵). در خصوص معایب قانون انتخابات می‌توان به مقاله‌ی تقی‌زاده، نماینده‌ی مجلس شورای ملی، اشاره نمود. وی معایب انتخابات در ایران را چنین عنوان می‌دارد: «۱. اینکه انتخاب کننده ورقه انتخاب را در خارج از انجمن نظارت انتخابات نوشته یا نویسنده همراه می‌آورد و خود در انجمن دراطاق مخصوصی نمی‌نویسد؛ ۲. آنکه آراء بلوکات داخل آراء شهرهای مهم شده و از استخراج روی هم رفته آراء وکیل معین می‌شود در صورتیکه انتخاب شهرها کما بیش از روی فهم و استقلال رای بوده و آراء روستائیان بدبخت که مثل رمه گوسفند بندوق انتخابات رانده می‌شوند غالباً از روی اجبار و اغفال است؛ ۳. اغتشاش تعیین هویت در انجمن انتخابات، نبودن میزان صحیحی برای اینکار تا از تکرار رای دادن و یا رای دادن اشخاص غیر جامع شرایط جلوگیری شود؛ ۴. سوء انتخاب یا تشکیل انجمن‌های نظارت انتخابات که تابع

هوی و هوس حکام است و دسایس زیاد در آن بکار می رود و میزان صحیحی برای آن مقرر نشده است؛ ۵. شکل عجیب و مضحک رسیدگی باعتبار نامه در مجلس و قضاوت مجلس که از بیحساب ترین امور مملکت ما هست و وکالت هر کسی از جانب ملت و اهل ولایت خود بسته بمیل و هوس و پسندیدن و نپسندیدن «وکلائی است که زودتر بطهران رسیده‌اند» تقی‌زاده این ۵ مورد را جزء معایب در انتخابات می‌داند و اخذ شناسنامه توسط ایرانیان، انجمن‌های نظارت، و به خصوص تشکیل احزاب سیاسی و انتخابات حزبی راه، از راه‌های اصلاحات در انتخابات به‌شمار می‌آورد (آینده، س ۲: ش ۶).

آینده در راستای اصلاح قانون انتخابات در مقاله‌ای به قلم یحیی دولت‌آبادی، موضوع «شرط سواد در انتخابات» را مطرح می‌کند و با اعتقاد به این که تعداد انتخاب‌کنندگان و انتخاب شوندگان با محکم نمودن حکومت ملی رابطه‌ی مستقیمی دارد، این امر را باتوجه به فقدان احزاب در ایران و بالا بودن بی‌سوادی در ایران ضروری می‌داند. زیرا «وسعت زیاد دایره انتخابات ممکن است درها بلکه دروازه‌ها بروی سیاستهای مضر خطرناک بگشاید و از حکومت ملی بجز قالب بیروح باقی نگذارده بجای سود رسانیدن بملک و ملت زیان برساند». دولت‌آبادی، ضمن پوزش از بی‌سوادان، بر این باور است که دارا بودن سواد شرط مهمی در انتخاب کنندگان است؛ زیرا به زعم وی، تنها در این صورت می‌توان جلوی برخی از تقلبات در انتخابات را گرفت؛ وی تصویب چنین قانونی را گامی در راستای نجات مشروطه و وطن پرستی عنوان کرده‌است (آینده، س ۲: ش ۱۱).

ذکاءالملک فروغی، وزیر جنگ، نیز انتخابات در ایران را محتاج اصلاح می‌دانست و نظریات خود را چنین عنوان کرد: «به عقیده اینجانب در اصلاح قانون انتخابات دو منظور باید در نظر گرفت یکی اینکه عملیات انتخاب حتی الامکان برای مردم کم زحمت باشد دیگر اینکه منتهی بحسن انتخاب شود منظور اول باین ملاحظه است که تجربه دو سه دوره اخیر معلوم کرد که انتخابات مجلس شورای ملی برای عامه مردم زحمت بسیار تولید میکند رعایا و کسبه را از کار باز میدارد سبب اختلاف و نفاق می‌شود میان مردم نزاع و مشاجره و دودستگی و بغض و عداوت احداث میکند مختصر مملکت را منقلب ساخته منتخب و ملت و دولت همه را بزحمت و کشمکش میاندازد و اثرات آن پس از انجام امر انتخابات (اگر انجام بگیرد) نیز باقی میماند و مفسدتی تولید مینماید که اینجانب نمیخواهم بتشریح آن پردازم منظور دوم حاجت بتوضیح ندارد و هرکس خیرخواه مملکت است تصدیق خواهد کرد که نمایندگان ملت برای مجلس شورای ملی باید نخبه مردم باشند و در ایران در حالت حالیه این نظر ساده بر نظریات حزبی و مسلکی و غیرها که در ممالک دیگر منظور و در مملکت ما

تقریباً بی‌موضوع است غلبه دارد برای منظور اول بعقیده اینجانب اول قدم این است که مدت دوره تقنینیه زیاد شود زیرا که از هیچ اقدام دیگر نمیتوان امیدوار بود که زحمت بکلی از مردم مرتفع گردد بنابراین باید کاری کرد که لااقل این زحمت دیر دیر تولید شود و عقیده اینجانب این است که قانون اساسی چنانکه بعضی می‌گویند مانع این اقدام نیست و مجلس شورای ملی میتواند آنرا تفسیر کند بطوریکه این نتیجه حاصل شود و تمديد مدت دوره تقنینیه محسنتات دیگر هم دارد که مجال شرح آن نیست اقدام دیگر این است که از این بعد که قانون سجل احوال در تمام مملکت مجری خواهد بود عملیات انتخابات را مثل سایر ممالک مبنی بر صورتهای انتخابیه *Listes electorales* مستخرجه از دفاتر سجل احوال قرار دهند که در گرفتن ورقه تعرفه و دادن رای نسبت بانخابات دوره‌های گذشته کمتر اغتشاش کاری شود اقدام دیگری که در این موضوع بخاطر میرسد اصلاح تقسیمات حوزه‌های انتخابیه است با این نظر که حتی الامکان حوزه‌ها کم وسعت و نقاط مختلفه آن با یکدیگر متناسب‌تر باشند برای رسیدن بحسن انتخاب دو درجه قرار دادن انتخابات ممکن است مفید باشد و لیکن از همه بهتر همان شرط قرار دادن سواد خواندن و نوشتن است برای انتخاب کننده کسیکه سواد ندارد در امر انتخابات بکلی کور و کر و از شرایط و مقررات انتخابات و عملیات آن بی‌خبر است قانون نمیداند روزنامه نمی‌بیند اعلان نمیخواند منظور و مقصود از انتخابات را نمیفهمد اختیارش کاملاً در دست دیگران است هر بلائی بخواهند بسرش میاورند در اینصورت آیا میتوان گفت شرکت او در امر انتخابات در واقع عمل کردن بحقوق ملی است چنین کسی با صغیر که از حق انتخاب محروم است چه تفاوت دارد بلکه باید گفت از صغیر پست‌تر است و حرکاتش در این عملیات مانند عروسک خیمه شب‌بازی است. محدود کردن حق انتخاب در صورتی ناشایسته است که حائز شدن شرط در اختیار مردم نباشد مثلاً اگر نسب عالی یا استطاعت مالی را شرط قرار دهند کسانی که ندارند نمیتوانند آنرا دارا شوند در صورتیکه همان کسان ممکن است از صاحبان مال یا نسب لایق‌تر باشند اما کسیکه سواد ندارد علاوه بر اینکه لیاقت انتخاب را دارا نیست حائز شدن شرط باختیار خود اوست دو سه ماه که درس بخواند بقدر کفایت دارای سواد میتواند بشود خاصه در این ایام که در تعمیم تعلیمات ابتدائی کوشش میشود و امید است عنقریب نتیجه بدست آید و شرط قرار دادن سواد در انتخاب نیز خود یکی از وسائل مؤثره حصول این مقصود است» (آینده، س ۲: ش ۴).

۹. نوسازی تشکیلات اداری و اصلاح در وزارتخانه‌ها

نوسازی ساختار اداری از مباحث مهم در مجله‌ی آینده است. از جمله در مقاله‌ای تحت عنوان «ماشین اداری ایران» به قلم عباس میرزا اسکندری، به انتقاد از اوضاع وزارتخانه‌ها می‌پردازد و ادارات را محکوم به «کاغذ پرانی» می‌کند. ضمن این که نیروهای انسانی و ظواهر در ادارات را خوب می‌داند: «میزهای خوش رنگ جوانان حاضر کار و جدی نویسندگان خوش خط مترجمین مطلع و متخصصین داخلی و خارجی همه دارالفنونها تمام کرده در پشت این میزها نشسته‌اند». وی عقیده دارد، این ظاهر قادر نیست «ماشین اداری ایران» را حرکت دهد و باید فکری اساسی کرد. اسکندری به خصوص به وزارت «فوائد عامه» انتقاد نموده، خواستار اصلاحات در تمامی وزارتخانه‌های کشور است (آینده، س ۲: ش ۲).

نوسازی در وزارت عدلیه، به خصوص به سبب «مسئله کاپیتولاسیون» از مسائل مهم مطرح شده در مجله‌ی آینده است. الغاء کاپیتولاسیون به دلیل «مصالح سیاسی» از نظر دکتر افشار درخور اهمیت عنوان شده، وی با تأسف از این موضوع که بسیاری از مجرمان و قاتلان در تحت پناه قانون کاپیتولاسیون از چنگال عدالت فرار کرده‌اند، از داور بابت نوسازی و اصلاحات در وزارت عدلیه تشکر می‌کند. دکتر افشار با این توضیح که نوسازی در عدلیه باعث از بین رفتن بهانه‌گیری‌های دول خارجه مبنی بر نامناسب بودن نظام قضایی ایران خواهد شد، عقیده دارد که الغاء این امر سرنجام به الغاء کاپیتولاسیون خواهد انجامید. وی بر این باور است که تنها در این صورت عدالت در خصوص خارجی‌ان مقیم ایران برقرار می‌شود (آینده، س ۲: ش ۳).

آینده همچنین با اشاره به معاهدات ننگین گذشته، از ملغا شدن برخی از این معاهدات اظهار رضایت می‌کند و از دولت خواستار ابطال اثرات آن در صحنه‌ی بین‌المللی و حمایت از حقوق حقه‌ی مردم با استفاده از روش‌های دیپلماسی است. به دنبال آن، تنها راه برای رسیدن ایران به این میزان قدرت در جوامع بین‌المللی را امنیت داخلی و حفظ حقوق اتباع دول خارجی در مرزهای ایران می‌داند و عقیده دارد رسیدن به این مهم تنها در گرو نوسازی و اصلاحات در تشکیلات قضایی کشور امکان‌پذیر خواهد بود. نویسنده عقیده دارد، مذاکرات درباره‌ی الغاء یا تغییرات در معاهدات نباید به بهانه‌ی نوسازی قضایی به تأخیر بیفتد و این دو باید به موازات هم صورت گیرد تا کامل باشد. در پایان نوسازی قضایی را دارای دو فایده‌ی اساسی برای کشور می‌داند: ۱. از لحاظ سیاست خارجی که باعث می‌شود ایران هم‌سطح ملل متمدن دنیا معرفی شود و بر اعتبارات سیاسی ایران افزوده شود؛ ۲. از لحاظ سیاست داخلی که باعث استقرار امنیتی می‌شود که نتیجه‌ی نوسازی قضایی است (آینده، س ۱: ش ۳).

تقی‌زاده نیز در مقاله‌ای به لزوم نوسازی در ادارات اشاره می‌کند و وزارت مالیه را با توجه به وظایفش از مهم‌ترین ادارات ایران می‌نامد. وی بر این باور بوده است که اصلاحات اداری باید از وزارت مالیه آغاز گردد، و برای نوسازی مالیه نیز باید از کارشناسان خارجی کمک گرفته شود. وی نوسازی در مالیه‌ی کشور را زمینه‌ای برای نوسازی و اصلاحات در دیگر نهادهای حکومتی عنوان می‌کند (تقی‌زاده، آینده، س ۱، ش: ۱).

نتیجه‌گیری

مجله‌ی آینده از نشریات متنفذ سال‌های نخست عصر رضاشاه بود که طرح «نوسازی اقتدارگرا» را به مثابه‌ی پیش زمینه‌ی اصلی تحقق «تجدد» در ایران معرفی نمود. به موجب این طرح، شاخصه‌های پیشنهاد شده برای نوسازی ایران عبارت بودند از: ایجاد وحدت ملی در پرتو دولت مقتدر مرکزی، اصلاحات اداری، نوسازی اجتماعی - اقتصادی، لزوم تحول فرهنگی و به کارگیری تعلیم و تربیت جدید.

«وحدت ملی» از مهم‌ترین آرمان‌های آینده برای رسیدن به یک ایران جدید بود. این نشریه با توجه به تاریخ چند هزار ساله‌ی ایران، تلاش در راستای حذف ملوک الطوائفی و اتحاد ایرانیان، فارغ از قومیت، را در وحدت ملی ایران لازم و حیاتی می‌دانست. از نگاه آینده، این امر ممکن نمی‌شد، مگر در پرتو یک حکومت مقتدر مرکزی که قادر به ایجاد امنیت، حفظ تاریخ ایران و تقویت زبان فارسی و به طور کلی، تجمیع ایرانیان زیر یک پرچم واحد باشد.

ضرورت انجام گرفتن اصلاحات اداری نیز از دیگر موضوع‌های اصلی این نشریه به شمار می‌رفت. به خصوص نوسازی در وزارت عدلیه به منظور ایجاد امنیت و مطرح شدن ایران در صحنه‌ی بین‌المللی به منظور الغای کاپیتولاسیون. نوسازی در وزارت معارف، با هدف بالا بردن سطح علمی و اجتماعی ایرانیان. این مهم از نظر آینده با جذب کارشناسان خارجی و میدان دادن به روشنفکران و متخصصان داخلی ممکن می‌شد.

نوسازی اقتصادی از طریق ساختن راه‌ها، جذب کارشناسان خارجی، بهبود بخشیدن به اوضاع کشاورزی و ماشینی شدن زراعت در ایران، رونق تجارت به روش توازن در صادرات و واردات، معامله با کشورهای مختلف با حفظ منافع دو طرف و همچنین ساخت مدارس تخصصی در راستای ارتقای دانش تجار و کشاورزان. علاوه بر آن، تشکیل نمایشگاه‌های مختلف در راستای مطرح نمودن کالاهای ایران در جهان.

نوسازی اجتماعی و توجه به سلامت عمومی نیز از دیگر مباحث مورد علاقه‌ی آینده بود. از جمله، تلاش در راستای از بین بردن عادات مذموم و جایگزین نمودن عادات صحیح، کنار گذاشتن تعصبات بی‌پایه و اساس و رواج ورزش به‌عنوان ضامن سلامت جسم و روح و جلوگیری از بیماری‌های واگیردار. از نظر گردانندگان این نشریه، نقش دولت در نوسازی ابعاد گوناگون اجتماعی مهم و ضروری ترسیم شده است.

در مجموع، رویکرد اصلی مجله‌ی آینده در مورد ایران عبارت بود از: ضرورت وحدت ملی و اجرای طرح نوسازی همه جانبه در پرتو دولت مقتدر مرکزی. اندیشه‌ی مزبور در واقع تلاش و تکاپویی شبیه به نوسازی ناتمام عصر ناصرالدین شاه قاجار بود که در نهایت به فراموشی اهداف انقلاب مشروطه از منظر توسعه‌ی سیاسی و بازتولید استبداد در قالب «دیکتاتوری متور» و یا «نوسازی اقتدارگرایانه» منجر شد.

کتابنامه

الف. کتاب‌ها

۱. آبراهامیان، پرواند. ۱۳۸۹، *ایران بین دو انقلاب*، ترجمه‌ی احمد گل محمدی و محمد ابراهیم فتاحی، تهران، نشرنی.
۲. اتابکی، توج. ۱۳۸۵، *تجدد آمرانه (جامعه و دولت در عصر رضا شاه)*، ترجمه‌ی مهدی حقیقت‌خواه، تهران، انتشارات ققنوس.
۳. صدرهاشمی، محمد. ۱۳۶۳، *تاریخ جراید و مجلات ایران*، ج ۱، تهران، نشرکمال.
۴. عاقلی، باقر. ۱۳۸۰، *شرح حال رجال سیاسی و نظامی معاصر ایران*، ج ۱، تهران، نشرگفتار.
۵. ملایی توانی، علیرضا. ۱۳۸۱، *مشروطه و جمهوری (ریشه‌های نابسامانی نظم دموکراتیک در ایران)*، تهران، نشرگستره.

ب. نشریات

۱. *ایران‌شهر*، س ۳، ش ۱۱، مهر ۱۳۰۴ ه.ش

۲. آینده

- س ۱، ش ۱، تیر ۱۳۰۴ ه.ش.
- س ۱، ش ۲، شهریور ۱۳۰۴ ه.ش.
- س ۱، ش ۳، مهر ۱۳۰۴ ه.ش.
- س ۱، ش ۴، آبان ۱۳۰۴ ه.ش.
- س ۱، ش ۵، آذر ۱۳۰۴ ه.ش.
- س ۱، ش ۶، دی ۱۳۰۴ ه.ش.

- س ۱، ش ۷، بهمن ۱۳۰۴.ش.
- س ۱، ش ۹، اسفند ۱۳۰۴.ش.
- س ۱، ش ۸، فروردین ۱۳۰۵.ش.
- س ۱، ش ۱۰، اردیبهشت ۱۳۰۵.ش.
- س ۲، ش ۱۱، تیر ۱۳۰۵.ش.
- س ۲، ش ۱۲، مهر ۱۳۰۵.ش.
- س ۲، ش ۱۷، دی ۱۳۰۵.ش.
- س ۲، ش ۱۸، بهمن ۱۳۰۵.ش.
- س ۲، ش ۱۹، اسفند ۱۳۰۵.ش.
- س ۲، ش ۲۲، خرداد ۱۳۰۶.ش.
- س ۳، ش ۶، شهریور ۱۳۰۶.ش.
- س ۳، ش ۸، آذر ۱۳۰۶.ش.
- س ۳، ش ۹، دی ۱۳۰۶.ش.
- س ۳، ش ۱۰، بهمن ۱۳۰۶.ش.
- س ۳، ش ۱۱، اسفند ۱۳۰۶.ش.
- ۳. عنکبوت، س ۲، ش ۹، ۲۲ اسفند ۱۳۰۵.ش.
- ۴. دنیای امروز، س ۱، ش ۳، ثور ۱۳۰۱.ش.

Archive of SID